

یادداشت

دیپلماسی و تجارت



کوروش الماسی
محقق و پژوهشگر

برای فهم برخی امور انسانی، اجتماعی و طبیعی لازم نیست تخصص، هوش بالا یا ویژگی خاصی داشته باشیم. به این دلیل ساده که بیشتر امور انسانی و اجتماعی در جوامع معاصر بر خلاف قرون پیشین مبتنی بر تعاریف علمی (تولیدات خرد) تبیین و درک می شوند. از این رو، چیستی و کارکرد امور اقتصادی، آموزشی و تربیتی، راهسازی یا ساختمان سازی، حقوقی، صنعتی، فرهنگی، دفاع ملی و... بنابر تعاریف علمی تبیین و درک می شوند. به عنوان مثال، درک علمی و خرد بنیاد به ما می گوید که وظیفه پلیس در همه جوامع و ساختارهای سیاسی کلان در جهان معاصر و انسان محور، صیانت از جان و مال شهروندان در مقابل دزدان، قانون شکنان، سوداگران بی اخلاق، تخریب کنندگان منافع و امنیت ملی و... است. به منظور حصول درکی شفاف و کاربردی از روابط خارجی، نکاتی بسیار کلی پیرامون مفهوم دیپلماسی ارائه می شود. روابط بین الملل یک تعریف بیش ندارد. اینکه «کشورهای گوناگون برای تهیه و تامین برخی نیازها (منافع) با دیگر کشورهای رابطه برقرار می کنند.» به عبارتی، داشتن روابط خارجه بدون تنش و سودمند یک گزینه و اختیار نیست، بلکه یک ضرورت است. بنابراین، عرصه روابط بین الملل، عرصه داد و ستد منافع است. در قرون پیش از عصر روشنگری رایج ترین روش و امکان تحقق منافع جنگ بود. به تعبیری تحقق منافع از طریق جنگ به معنی منافع صفر یاصدی است. بدین معنی که کشور پیروز همه منافع خود را محقق و کشور شکست خورده هیچ منفعتی به دست نمی آورد. اما با توسعه علوم انسانی و اجتماعی در عصر روشنگری، سازوکار دیپلماسی به عنوان روش تحقق منافع (ملی) جایگزین سازوکار جنگ شد. به بیانی بسیار کلی، دیپلماسی همان سازوکار عرضه و تقاضا در امور تجاری است. به عبارتی، دیپلماسی روش تحقق منافع (ملی) از طریق داد و ستد به جای جنگ، است. برجسته ترین تفاوت میان تجارت و دیپلماسی این است که در عالم تجارت، نیاز تنظیم کننده سازوکار عرضه و تقاضا است. اما در عرصه دیپلماسی، «قدرت ملی» تنظیم کننده سازوکار عرضه و تقاضا است. به عبارتی، در عرصه دیپلماسی امتیازاتی که داده و گرفته می شود تابع اقتدار ملی یک کشور است. روال و ساختار معمول در مذاکرات روابط بین الملل بدین گونه است که طرفین مذاکره خواسته هایی از یکدیگر دارند و به ضرورت برای تحقق خواسته های خود باید هزینه هایی بپردازند. به بیانی مذاکرات در روابط بین الملل همانند روابط تجاری، توسط منطق و سازوکار سود و زیان مدیریت می شود. اگر تشبیه دیپلماسی و تجارت کاربردی و منطقی تلقی شود، آنگاه، روابط بین الملل را باید عرصه تجارت (ونه نظامی) تلقی کنیم. اصلی ترین چالش مدیریت روابط خارجه این واقعیت غیر کاربردی است که برخی متولیان و دست اندرکاران راهبرد روابط خارجه، اقتدار را صرف قدرت نظامی و سخت تلقی کی کنند. حال آنکه واقعیت امر در جهان توسعه یافته معاصر این است که توان نظامی و سخت تنها یکی از مولفه های قدرت (ملی) است. آنگاه آموزش و پرورش و پویا و توسعه محور، آموزش عالی (دانشگاه های) پویا و مولد دانش کاربردی در عرصه های گوناگون، قابل دسترس بودن بهداشت و درمان همگانی، صنایع پیشرفته، حاکمیت قانون و... مولفه های دیگر قدرت هستند. اگر استدلال فوق پیرامون چیستی دیپلماسی، کاربردی و منطقی تلقی شود، آنگاه باید گفتی شود تنش زدایی، سودمند کردن و قابل پیش بینی کردن روابط خارجه تابع باگشت دیپلماسی به ذات و خاستگاه علمی خود، یعنی مذاکره بر سر منافع ملی و نه هیچ هدف دیگری است.

در پیچه

سید حسین نقوی حسینی:
از پذیرش پیشنهاد اروپا چیزی گیر ایران نمی آید

یک نماینده سابق مجلس درباره سرنوشت مذاکرات برجامی گفت: متن پیشنهادی اروپا با هماهنگی کامل آمریکا تهیه شده بود، از این رو آمریکا دقایقی بعد از اعلام پایان مذاکرات آن را پذیرفت. تحریم های اخیر آمریکا علیه ایران نشان داد که واشنگتن همچنان به سیاست فشار حداکثری در مقابل ایران اعتقاد دارد. سیدحسین نقوی حسینی افزود: اگر متن پیشنهادی اروپا خواسته های اصولی و منطقی جمهوری اسلامی ایران را در برمی گرفت و آمریکایی ها نیز دنبال اعمال تحریم های جدید نمی رفتند، شاید وضعیت طور دیگری می شد اما وقتی آمریکاها تحریم های جدید وضع و اروپایی ها تهدید آمیز صحبت می کنند، نشانه آن است که آنها همچنان سیاست چماق و هویج را می خواهند ادامه دهند. این فعال سیاسی اصولگرا درباره انتقادها به عملکرد تیم مذاکره کننده ایرانی اظهار کرد: اتفاقی از انتقادهای جدی حامیان دولت سیزدهم به تیم مذاکره کننده آن است که اغلب اعضای این تیم همان هایی هستند که زمان دولت قبل در این تیم حضور داشتند و همان ها مذاکره انجام می دهند و مسیر گفت و گوها را دنبال می کنند. سخنگوی سابق کمیسیون امنیت ملی مجلس بیان کرد: امروز غربی ها متوسل به ضرب الاجل شدند چون حوادث آینده به ویژه نیاز ضروری اروپا به انرژی در زمستان پیش رو را متوجه هستند و می دانند هر طور شده باید با ایران به توافق برسند وگرنه عدم توافق برای احیای برجام دست آنها را در تامین انرژی مورد نیاز برای شهروندان شان می بندد. این تحلیلگر مسائل سیاست خارجی تأکید کرد: اگر همه تحریم های ضدایرانی لغو نشود، حتی با پذیرش توافق بر سر احیای برجام مشکلی از جمهوری اسلامی حل نخواهد شد چون بخشی از تحریم های ماند که آمریکا با تکیه بر آنها نمی گذارد ایران از مزایای اجرای برجام سود ببرد بنابراین به دلیل عدم دیده شدن مطالبات اصلی ایران در متن پیشنهادی اروپا، بعید است جمهوری اسلامی این پیشنهاد را بپذیرد چون اگر این پیشنهاد را بپذیرد چیزی گیرش نمی آید.

امیررضا واعظ آشتیانی در گفت و گوبا «آرمان ملی»:

سناریوی طراحی شده که تاج رئیس فدراسیون فوتبال شود

سبک بستن مدیریت فوتبال خلایق را نبوده کرده است

مدیران ناکارآمد پدیداز چرخه مدیریت کشور حذف شوند نه در جای دیگری مورد استفاده قرار بگیرند

گزینه های ریاست فدراسیون فوتبال از جنس تحول نیستند

فوتبال ایران دستاورد اقتصادی و فرهنگی نداشته است

فوتبال کشور گران اداره می شود

گزینه های نهایی ریاست فدراسیون در بهترین حالت وضعیت موجود را حفظ می کنند



«آرمان ملی» - احسان انصاری: انتخابات فدراسیون فوتبال با سر و صدا و حاشیه های زیادی همراه بوده است. حضور مجدد مهدی تاج رئیس سابق فدراسیون فوتبال در این انتخابات و قرار گرفتن در بین سه گزینه نهایی نیز به این حاشیه ها دامن زده است. این انتخابات در حالی برگزار خواهد شد که در شرایط کنونی وضعیت آماده سازی تیم ملی برای حضور در جام جهانی قابل قبول نیست و فوتبال ملی ما با چالش های جدی مدیریتی مواجه شده است. امیررضا واعظ آشتیانی یکی از افرادی است که برای حضور در انتخابات ریاست فدراسیون فوتبال اعلام آمادگی کرده اما بنا به دلایل نامشخص نام وی در بین گزینه های نهایی قرار نگرفته است. «آرمان ملی» به همین دلیل و برای تحلیل و بررسی فراز و نشیب های انتخابات ریاست فدراسیون فوتبال با واعظ آشتیانی گفت و گو کرده است که در ادامه حاصل این گفت و گورا می خوانید.

این جریان و گروه از حمایت از تاج چیست و چرا تلاش می کنند زمینه مدیریت وی را در فدراسیون فراهم کنند؟ این اتفاق در حالی رخ می دهد که نگاه افکار عمومی نسبت به آقای تاج منفی است. در هفته های اخیر اغلب صاحب نظرانی که در این زمینه دانشگاه آن را کرده اند از این موضوع گلایه داشته و حضور امثال آقای تاج را در رأس فدراسیون به سود فوتبال کشور نمی دانند. مشخص نیست چه سناریویی طراحی شده که مدارک آقای تاج را بربرغم ناکارآمدی های مشهود تا اینجا تایید کرده و در شرایط کنونی وی کاندیدای ریاست فدراسیون فوتبال شده است. سوال مهم افکار عمومی این است که اگر فرد دیگری

از اعضای مجمع فدراسیون فوتبال صلاحیت وی را تایید کنند، سوال اینجاست که پنج نفر از اعضا براساس چه مبنایی باید صلاحیت افراد را تایید کنند؟ آیا قرار است به شخص رأی بدهند و یا به برنامه؟ این موضوع خوب است که هم به شخص رأی بدهند و هم به برنامه.

با این وجود اگر تنها ملاک شخص باشد این رویکرد اشتباه است و باید تغییر کند. کسی باید در انتخابات فدراسیون فوتبال شرکت کند که برنامه بهتری داشته باشد و سابقه مدیریتی بیشتری داشته باشد. کسی که در گذشته سابقه مدیریت نساموفی داشته هیچ دلیل ندارد که در انتخابات فدراسیون کاندیدا شود. کسانی که کارآمد نیستند در گذشته کارنامه مدیریتی موفقی نداشته اند باید از چرخه مدیریت کشور حذف شوند نه اینکه در جای دیگری مورد استفاده قرار بگیرند. متأسفانه شرایط به شکلی است که به مدیران ناکارآمد عناوین جدیدی می دهند که در جای دیگری کار خود را ادامه دهند. امروز من این سوال را مطرح می کنم و مطمئن هستم سوال افکار عمومی نیز است. اگر به جز آقای تاج کس دیگری بود که با یک مربی قرارداد بسته بود که نزدیک به ۱۵۰ میلیارد تومان برای کشور فدراسیون فوتبال شود باید پنج امضا از اعضای مجمع فدراسیون فوتبال بگیرد تا صلاحیت وی تایید شود. این وضعیت مانند این است که کسی قصد داشته باشد در انتخابات مجلس شورای اسلامی ثبت نام کند به وی بگویند که باید از پنج نفر از معتمدین محلی امضا بگیرد تا شرایط ثبت نام داشته باشید. آقایان عنوان می کنند این وضعیت در فیفا و ای اف سی هم وجود دارد. سوال این است که مگر هر کاری که فیفا و ای اف سی انجام داد صحیح است و ما نیز باید همان کار را انجام بدهیم؟ من معتقدم در ای اف سی و فیفا نیز چرخه مدیریتی را بسته اند تا کسی ورود نکند و باند فعلی به کار خود ادامه بدهد. باندبازی و گروه بازی از جایی شروع می شود که اجازه ندهند فرد جدیدی وارد چرخه مدیریتی شود. با چنین وضعیتی خلایقیت نبوده می شود. قرار نیست هر برنامه ای فیفا و ای اف سی اجرا کرد ما نیز همان را دنبال کنیم. هر کشوری شرایط خاص خود را دارد و باید با توجه به شرایط فوتبال کشور درباره آن تصمیم گیری کرد.

محدودیت هایی که برای حضور افراد دیگر در انتخابات فدراسیون وجود دارد با چه هدفی به وجود آمده است؟ آیا در این زمینه نیاز به تغییر قوانین وجود ندارد؟

در شرایط کنونی دو عامل مهم محدود کننده در این زمینه وجود دارد. نخست اینکه رئیس فدراسیون باید ۴ سال سابقه مدیریت در فوتبال داشته باشد و دوم اینکه باید پنج نفر از اعضای مجمع فدراسیون فوتبال صلاحیت او را تایید کنند. سوال این است که تاج به مدیران ناکارآمد پدیداز چرخه مدیریت کشور حذف شوند نه در جای دیگری مورد استفاده قرار بگیرند. این انتخابات در حالی برگزار خواهد شد که در شرایط کنونی وضعیت آماده سازی تیم ملی برای حضور در جام جهانی قابل قبول نیست و فوتبال ملی ما با چالش های جدی مدیریتی مواجه شده است. امیررضا واعظ آشتیانی یکی از افرادی است که برای حضور در انتخابات ریاست فدراسیون فوتبال اعلام آمادگی کرده اما بنا به دلایل نامشخص نام وی در بین گزینه های نهایی قرار نگرفته است. «آرمان ملی» به همین دلیل و برای تحلیل و بررسی فراز و نشیب های انتخابات ریاست فدراسیون فوتبال با واعظ آشتیانی گفت و گو کرده است که در ادامه حاصل این گفت و گورا می خوانید.

این جریان و گروه از حمایت از تاج چیست و چرا تلاش می کنند زمینه مدیریت وی را در فدراسیون فراهم کنند؟ این اتفاق در حالی رخ می دهد که نگاه افکار عمومی نسبت به آقای تاج منفی است. در هفته های اخیر اغلب صاحب نظرانی که در این زمینه دانشگاه آن را کرده اند از این موضوع گلایه داشته و حضور امثال آقای تاج را در رأس فدراسیون به سود فوتبال کشور نمی دانند. مشخص نیست چه سناریویی طراحی شده که مدارک آقای تاج را بربرغم ناکارآمدی های مشهود تا اینجا تایید کرده و در شرایط کنونی وی کاندیدای ریاست فدراسیون فوتبال شده است. سوال مهم افکار عمومی این است که اگر فرد دیگری

از اعضای مجمع فدراسیون فوتبال صلاحیت وی را تایید کنند، سوال اینجاست که پنج نفر از اعضا براساس چه مبنایی باید صلاحیت افراد را تایید کنند؟ آیا قرار است به شخص رأی بدهند و یا به برنامه؟ این موضوع خوب است که هم به شخص رأی بدهند و هم به برنامه.

با این وجود اگر تنها ملاک شخص باشد این رویکرد اشتباه است و باید تغییر کند. کسی باید در انتخابات فدراسیون فوتبال شرکت کند که برنامه بهتری داشته باشد و سابقه مدیریتی بیشتری داشته باشد. کسی که در گذشته سابقه مدیریت نساموفی داشته هیچ دلیل ندارد که در انتخابات فدراسیون کاندیدا شود. کسانی که کارآمد نیستند در گذشته کارنامه مدیریتی موفقی نداشته اند باید از چرخه مدیریت کشور حذف شوند نه اینکه در جای دیگری مورد استفاده قرار بگیرند. متأسفانه شرایط به شکلی است که به مدیران ناکارآمد عناوین جدیدی می دهند که در جای دیگری کار خود را ادامه دهند. امروز من این سوال را مطرح می کنم و مطمئن هستم سوال افکار عمومی نیز است. اگر به جز آقای تاج کس دیگری بود که با یک مربی قرارداد بسته بود که نزدیک به ۱۵۰ میلیارد تومان برای کشور فدراسیون فوتبال شود باید پنج امضا از اعضای مجمع فدراسیون فوتبال بگیرد تا صلاحیت وی تایید شود. این وضعیت مانند این است که کسی قصد داشته باشد در انتخابات مجلس شورای اسلامی ثبت نام کند به وی بگویند که باید از پنج نفر از معتمدین محلی امضا بگیرد تا شرایط ثبت نام داشته باشید. آقایان عنوان می کنند این وضعیت در فیفا و ای اف سی هم وجود دارد. سوال این است که مگر هر کاری که فیفا و ای اف سی انجام داد صحیح است و ما نیز باید همان کار را انجام بدهیم؟ من معتقدم در ای اف سی و فیفا نیز چرخه مدیریتی را بسته اند تا کسی ورود نکند و باند فعلی به کار خود ادامه بدهد. باندبازی و گروه بازی از جایی شروع می شود که اجازه ندهند فرد جدیدی وارد چرخه مدیریتی شود. با چنین وضعیتی خلایقیت نبوده می شود. قرار نیست هر برنامه ای فیفا و ای اف سی اجرا کرد ما نیز همان را دنبال کنیم. هر کشوری شرایط خاص خود را دارد و باید با توجه به شرایط فوتبال کشور درباره آن تصمیم گیری کرد.

محدودیت هایی که برای حضور افراد دیگر در انتخابات فدراسیون وجود دارد با چه هدفی به وجود آمده است؟ آیا در این زمینه نیاز به تغییر قوانین وجود ندارد؟

در شرایط کنونی دو عامل مهم محدود کننده در این زمینه وجود دارد. نخست اینکه رئیس فدراسیون باید ۴ سال سابقه مدیریت در فوتبال داشته باشد و دوم اینکه باید پنج نفر از اعضای مجمع فدراسیون فوتبال صلاحیت او را تایید کنند. سوال این است که تاج به مدیران ناکارآمد پدیداز چرخه مدیریت کشور حذف شوند نه در جای دیگری مورد استفاده قرار بگیرند. این انتخابات در حالی برگزار خواهد شد که در شرایط کنونی وضعیت آماده سازی تیم ملی برای حضور در جام جهانی قابل قبول نیست و فوتبال ملی ما با چالش های جدی مدیریتی مواجه شده است. امیررضا واعظ آشتیانی یکی از افرادی است که برای حضور در انتخابات ریاست فدراسیون فوتبال اعلام آمادگی کرده اما بنا به دلایل نامشخص نام وی در بین گزینه های نهایی قرار نگرفته است. «آرمان ملی» به همین دلیل و برای تحلیل و بررسی فراز و نشیب های انتخابات ریاست فدراسیون فوتبال با واعظ آشتیانی گفت و گو کرده است که در ادامه حاصل این گفت و گورا می خوانید.

یک تحلیلگر مسائل بین الملل در خصوص موافقت آمریکا با متن پیشنهادی اروپا و اینکه غربی ها تلاش دارند توپ را در زمین ایران بیندازند اظهار داشت: ماهنوز جزئیات طرحی که اروپا پیشنهاد کرده و اینکه چه مطالباتی از طرف ایران همچنان بر زمین باقی مانده است را نمی دانیم. اما به نظر می رسد موضع طرف اروپایی این است که مذاکره به طور کامل انجام شده و موضوعی نمانده که بخواهد مورد مذاکره قرار بگیرد و متن پیشنهادی، نهایی است. دیاکو حسینی گفت: از طرف دیگر موضع روسیه هم به این دیدگاه نزدیک است و آقای اولیانوف با احتیاط اعلام کرده که متن نهایی شده و اگر اعتراضی وجود نداشته باشد، بر مبنای همین متن، توافق انجام خواهد شد. طرف آمریکایی هم بلافاصله از متن استقبال کرده و آن را پذیرفته است. در آن صورت می توان دو سناریو برای این موضوع تصور کرد. یکی آنکه این متن با هماهنگی آمریکا پذیرند. سناریوی دوم این است که آمریکا ممکن است به طور کامل پیشنهاد اروپا را مطابق میل خود نبیند اما در عین حال تصور کند که ایران این طرح را رد خواهد کرد و بنابراین پیش دستی کرده و طرح را پذیرفتند و با این تصور که ایران این طرح را رد کند، توپ را در زمین ایران قرار دادند. وی افزود: هنوز نمی دانیم کدام یک از این دو سناریو درست است. حسینی بیان کرد: فلسفه مذاکره این است که چانه زنی متقابل انجام گیرد و تغییر دولت ها به این معنا نیست که باید تمام سنت ها و زحمات گذشته نادیده گرفته شود. وی اظهار کرد: مدت ها طول کشید که تیم مذاکره کننده به این نتیجه رسید، نمی توان از صفر شروع کرد و متن ایرانی را به متن مذاکرات تحمیل کرد. این تحلیلگر مسائل بین الملل درباره سیاست سکوت سه کشور اروپایی تصریح کرد: سکوت نیست. طرحی که آقای بورل داده طرح اتحادیه اروپا و سه کشور اروپایی است. اساسا مبدع این طرح همین سه کشور اروپایی هستند و طبیعی است که آنها با طرح خود نمی توانند موافقت یا مخالفت کنند. ما باید طرحی که آقای بورل داده را به عنوان صدای مشترک سه کشور بریتانیا، آلمان و فرانسه ببینیم. هر چند بریتانیا از اتحادیه خارج شده اما در مورد مذاکرات هسته ای همچنان هماهنگی بین این سه کشور توسط آقای بورل انجام می شود. بنابراین این طرح را می توان طرحی در نظر گرفت که این سه کشور بانی آن بوده و برای همین ما هیچ موضعی را نخواهیم دید. زیرا این طرح وابسته به این سه کشور است و آقای بورل بدون هماهنگی این سه کشور این طرح را نمی توانست مستقلا ارائه دهد و نماینده ای است که سیاست های مشترک این سه کشور و اتحادیه را نمایندگی می کند.

فرارو
حسین کنعانی مقدم:
رئیس جمهور به افرادی که خارج از مسئولیت شان اظهار نظر می کنند، تذکر دهد

یک فعال سیاسی اصولگرا در پاسخ به این سوال که با توجه به اینکه این روزها خبرهایی از نزدیک شدن به امضای توافق برجام به گوش می رسد، تندرورها دست به کار شده اند و حتی اختلافاتی در این میان دیده شده نظر شما درباره مواضع این افراد چیست، گفت: قطعاً اظهار نظرهایی که برخی از وزرا درباره برجام انجام می دهند، اظهار نظر دولت نیست و دولت سخنگو و رئیس جمهور رسمی دولت هستند. این برنده در اختیار شورای عالی امنیت ملی است و به همین ترتیب این گمانه زنی ها و اظهار نظر ها ارزش رسانه ای هم ندارد. حسین کنعانی مقدم اظهار داشت: به هر ترتیب این توافقنامه باید به تصویب مجلس برسد تا قابلیت اجرایی پیدا کند. ما باین وجود، برخی خارج از وظیفه قانونی و مسئولیتی خود اظهار نظر می کنند و رئیس جمهور باید به این افراد تذکر لازم را بدهد. ما در موضوع برجام نیاز به یک اجماع نظر، توافق و همدلی کلی در کشور داریم و موضع نظام هم در این مورد مشخص است و باید منتظر ماند و دید نظر مجلس درباره این توافقنامه چیست. به همین دلیل اینگونه اظهار نظر ها باعث تشویش اذهان عمومی و بیشتر شدن مشکلات کشور خواهد شد. وی در پاسخ به این سوال که نظر شما درباره مخالفت تندرورها با به نتیجه رسیدن برجام در دولت رئیسی چیست، تصریح کرد: به هر حال استدلال آقایان این است که توافقنامه امروز برجام با برجام دولت آقای روحانی فرق های زیادی دارد و توانستیم از موضع قدرت خواسته های خودمان را به آمریکایی ها تحمیل کنیم. اگر این استدلال درست باشد، می تواند از آنها بی که از این توافقنامه حمایت می کنند پرسید متن برجام امروز با متن توافق دولت روحانی چه تفاوتی دارد و چقدر در مسائل امنیتی و منافع ملی تاثیر گذار است.

این تردید را در من ایجاد کرده که ممکن است آقایان چند روز دیگر من را به حضور در ورزش و فوتبال محروم کنند. من نیازی به این مسائل ندارم. پس از اعلام گزینه های نهایی فدراسیون

این تردید را در من ایجاد کرده که ممکن است آقایان چند روز دیگر من را به حضور در ورزش و فوتبال محروم کنند. من نیازی به این مسائل ندارم. پس از اعلام گزینه های نهایی فدراسیون